



پایه‌های اسلام، ایمان، احکام و شرایع از زبان امام علی(3)

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: اسلام بر شهادت توحید و رسالت محمد صلی الله علیه و اله، و اقامه نماز، و دادن زکاة...

32- ابو سعید خدری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: اسلام بر شهادت توحید و رسالت محمد صلی الله علیه و اله، و اقامه نماز، و دادن زکاة، و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و جهاد و ولایت علی بن ابی طالب بنا شده است، ابو سعید گوید: من گمان می‌کنم که مردم با ترك ولایت هلاک شوند، رسول خدا فرمود: شما چه می‌کنید هنگامی که آنها هلاک شوند. (2) 33- سعد بن عبد الله به سند خود از امیر المؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: واجبات خداوند بر بندگان که باید آنها را انجام دهند پنج عدد می‌باشد، و این‌ها واجبات بزرگ هستند و آنها عبارتند از نماز، زکاة، روزه، حج و ولایت که حافظ این واجبات چهارگانه می‌باشد. حدود مهم نماز چهار قسم است، شناختن وقت، شناختن قبله و توجه به آن طرف، رکوع و سجود، و برای آن قسم هم پنجمی هست که نماز بدون آن کامل و تمام نمی‌شود و آن وضوء می‌باشد با : مان مسائل و حدودی که خداوند برای آن معین کرده است. این‌ها که بیان شد حدود مهم نماز هستند و همه مسلمانان در اطراف و اکناف جهان از آن‌ها اطلاع دارند و هر کس با هر زبانی که در شرق و یا غرب عالم زندگی می‌کند و از عاقل و جاهل و عالم و غیر عالم از آن مسائل مطلع می‌باشند و یا این حدود آشنائی دارند. هر مسلمانی که به حد تکلیف می‌رسد نماز بر او واجب می‌گردد این اعمال را از دیگران یاد می‌گیرد، و وضوء و وقت و قبله و رکوع و سجود را می‌داند و دیگر برای او عذری نخواهد بود که نماز را تاخیر اندازد و یا در انجام آن غفلت کند و یا کوتاهی نماید. اما سایر احکام نماز که آن عبارت از قرائت صحیح و تسبیح و تشهد و سایر آداب و سنن است همه مردم توانائی ندارند که آنها را بطور احسن فرا گیرند و همه دعاها و اذکار و او را وارده در نماز را بخوانند، از این جهت خداوند چند حدود بزرگ را که همه توانائی دارند آن را فراگیرند تاکید کردند و آن‌ها را واجب فرمودند. ولی مسائل دیگر را سنت واجب قرار داده برای کسانی که بتوانند با نیکوترین وجهی آن‌ها را انجام دهند، و به آنها وقت وسیعی داد تا بتوانند آن مسائل را فرا گیرند، زیرا قرائت صحیح برای غیر عرب سخت است، برای اینکه زبان آنها عربی نیست، ولی آنها هم باید بروند و یاد بگیرند و عذری برای آنها نیست ولی عذر آنها تا هنگامی که خوب فرا گیرند قبول است. حدود بزرگ زکاة هم چهار موضوع است، شناختن مقداری که باید زکاة بدهد، زکاة در کدام يك از اموال واجب می‌باشد، در چه وقت باید زکاة را داد، و اینکه زکاة را در کجا مصرف کند و تعداد و قیمت آن را بداند. اما شناختن عدد و قیمت آن است که بر آدمی واجب است بداند زکاة در کدام مال تعلق پیدا می‌کند، از آن اموالی که خداوند زکاة را در آن واجب کرده است و آن عبارت است از طلا، نقره، گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، و گوسفند. پس زکاة در نه چیز واجب می‌گردد و در اموال دیگر تعلق پیدا نمی‌کند، و بعد باید بدانند چه مقداری بر آنها واجب است، و خداوند این را بیان کرده و برای شناخت آن که مورد احتیاج آنان می‌باشد چهار چیز در این جا بر آنها واجب گردانیده است. آنها عبارتند از کیل، وزن، مساحت و عدد اما عدد را در شتر و گاو و گوسفند قرار داد، کیل را در گندم، جو، کشمش و خرما، و وزن را هم در طلا و نقره قرار داد، هر گاه انسانی این مسائل را شناخت از پرداخت‌کنندگان زکاة طبق دستور خدا به حساب می‌آید. اما اگر کسی مسائل مربوط به زکاة را نداند نمی‌تواند حقوق زکاة را اداء کند و بعد از این باید بداند که زکاة را در کجا مصرف کند و به چه اشخاصی بدهد، و اگر این را هم ندانست، باز مؤدی زکاة بحساب نمی‌آید و از وی قبول نمی‌شود، اینها بودند مسائل مهم زکاة. مسائل بزرگ حج نیز چهار عدد هستند نخست احرام در يك وقت معین، نه قبل از آن و نه بعد از آن مگر برای علتی که پیش بیاید، دوم طواف خانه، سوم سعی بین صفا و مروه، چهار وقوف در عرفه و مزدلفه که مشعر الحرام باشد. اینها احکام و حدود حج می‌باشند، و بعد از این مسائلی است که در عمره و حج گفته شد و آنها عبارتند از کشتن قربانی و سر تراشیدن تقصیر، و رمی جمرات، و سایر مسائلی که رسول خدا صلی الله علیه و اله در سنت خود بیان فرموده‌اند. اما مسائل روزه آن هم چهار موضوع می‌باشد و آنها عبارتند از خوردن و آشامیدن، و زناشوئی و هم بستر شدن در حال روزه، و فرو بردن سر در زیر آب، اینها مسائل مهم روزه می‌باشند که روزه‌دار باید از اینها اجتناب کند. بعد از این چهار موضوع مسائل دیگری هم هست که روزه‌دار باید به آنها عمل کند، و آنها عبارتند از استغفار کردن، دروغ گفتن، تهمت زدن، شعر خواندن، و غیر از اینها که در سنت رسول الله صلی الله علیه و اله از آن اسم برده شده است. مسائل مهم وضوء عبارت است از شستن صورت و دست‌ها تا آرنج، و مسح سر و پاها تا کعبین، همان طور که خداوند امر کرده است. مسائل بزرگ ولایت امام مفترض الطاعة عبارت از این است که آن امام باید معصوم باشد و خطا و لغزش از آن صادر نگردد، و مرتکب گناهان کبیره و صغیره نشود، اشتباه نکند، خطائی از وی پیدا نشود، مشغول لهویات و کارهای سبک نگردد. کاری نکند که برای دین زیان داشته باشد، و گوش به لهویات ندهد، از همه مردم به حلال و حرام خداوند داناتر باشد فرائض و سنت‌ها و احکام و حدود الهی را بهتر از همگان بداند، از همه مردم بی‌نیاز باشد و مردم به او محتاج باشند، سخی‌ترین مردم و دلیرترین آنها باشد. علت وجوب عصمت در امام این است که اگر امام معصوم نباشد بیم آن می‌رود که آن هم مانند سایر مردم آلوده به مفسد گردد و

مرتکب حرام شود، و یا شهوات بر او غلبه کند، و هر گاه مرتکب این کارها گردد لازم است که دیگری حدود خدا را در باره او اجراء کند. چگونه ممکن است این چنین شخصی که موجب حد است امام مردم شود و با فساد و آلودگی به گناه رهبر جامعه باشد، و علت اینکه چرا امام باید داناترین مردم باشد، از این جهت است که اگر از همگان عالم‌تر نباشد و حلال و حرام خدا را بهتر از دیگران نداند اعتماد بگفتارش نیست.

اگر امام همه مسائل و احکام و فنون و علوم را نداند و احتیاجات علمی و مذهبی مردم را برنیآورد و امور دین و دنیای آنها را بخوبی درک نکند در گفتارش اطمینانی نخواهد بود، و از وی اشتباهاتی در احکام و حدود پیدا خواهد شد و اعتبار او را از بین خواهد برد. علت اینکه امام باید از همه مردم سخی‌تر باشد این است که او خازن و نگه دارنده اموال مسلمانان می‌باشد و محل اعتماد در مورد غنائم و انفال آنها هست، اگر او اهل سخاوت نباشد نفس او بطرف مال مسلمانان اشتیاق پیدا می‌کند و آن را بنفع خود می‌گیرد. علت اینکه واجب است امام شجاع‌ترین مردم باشد، برای این است که طائفه مسلمانان در هنگام جنگها به او توجه می‌کنند و به او پناه می‌برند، اگر او شجاع نباشد بیم آن می‌رود که از میدان فرار کند و از جنگ و جهاد دست بردارد. امامی که شجاع نباشد تسلیم می‌گردد و یا فرار می‌کند و در آن صورت موجب کشتن مسلمانان می‌گردد، و گرفتار غضب خداوند می‌شود، همان گونه که در قرآن فرمود: *وَمَنْ يُؤْلِهِمْ يَوْمَئِذٍ ذُبْرَةٌ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ*، جایز نیست امام فرار کند و گرفتار غضب و خشم خداوند قرار گیرد.

خداوند عز و جل برای هر يك از این واجبات چهارگانه دو دلیل قرار داده است که آنها مانند آفتاب و ماه بزرگترین دلیل می‌باشند، نماز در آن میان از همه مهمتر است زیرا که آن ستون دین و گرمی‌ترین و شریفترین آن چهار موضوع می‌باشد. نخست آفتاب که راهنما برای اداء نمازها هست خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: *أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ عَسْقِ اللَّيْلِ وَ قِرْآنَ الْقُرْآنِ الْقَجْرِ*، این قرآن القجر کان مشهوداً هنگام نماز را جز به آفتاب نمی‌توان شناخت. اول وقت نماز هنگامی است که آفتاب به وسط آسمان برسد و بالای سر آدمی قرار گیرد، و در این هنگام نماز ظهر ادا می‌شود، و هنگام نماز عصر بعد از زوال تا عصر می‌باشد، و نماز مغرب در هنگام غروب و پنهان شدن قرص خورشید است، و عشاء در وقتی است که شفق کاملاً از بین برود و سرخی آسمان از طرف مغرب فرو نشیند.

هنگام نماز صبح آن است که فجر طلوع کند، خداوند متعال زکاة را مشترك بین آفتاب و ماه قرار داد و هنگامی که يك سال گذشت زکاة واجب می‌گردد، حج خانه و روزه ماه رمضان را بر ماه گذاشته و وجوب این دو بر ماه بستگی دارد، و در قرآن مجید فرموده: ای رسول ما از تو می‌پرسند که هلال چیست در پاسخ بگوئید آنها برای وقت‌شناسی مردم و حج می‌باشد.

در باره ماه مبارك رمضان فرمود: ماه رمضان آن ماهی است که قرآن در آن فرود آمد، قرآن مردم را هدایت می‌کند و آنها را به روشنائی‌ها راهنمایی می‌سازد و حق و باطل را از هم جدا می‌کند هر کس ماه رمضان را درک کرد باید روزه بگیرد، وجوب حج و روزه با ماه ثابت می‌شود و ماه هم از گردش قمر پدید می‌آید.

34- عیسی بن مستفاد گوید: موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: از پدرم جعفر بن محمد سلام الله علیهما پرسیدم آغاز اسلام چگونه بود، علی و خدیجه چگونه مسلمان شدند، پدرم فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله آنها را به اسلام دعوت کرد فرمودند: ای علی و ای خدیجه اینک جبرئیل در نزد من قرار دارد و از شما دعوت می‌کند که به اسلام بیعت کنید تا هدایت شوید. آنها هم اسلام اختیار کردند و از رسول خدا اطاعت نمودند، رسول خدا به آن دو فرمودند جبرئیل می‌گوید اسلام شرطها و پیمانها دارد که به آنها عمل کنید و آن پیمانها را بکار گیرید، و آن شرط عبارتند از اینکه به وحدانیت خداوند گواهی دهید، آن خدائی که همتا ندارد و در کشور داری کسی با او شریک نیست.

خداوند از کسی متولد نشده و زن و همنشین هم ندارد، او خدایی است یگانه و پاک از همه چیز و باید گواهی دهید که محمد بنده و فرستاده او می‌باشد که او را برای هدایت مردم فرستاد و تا قیامت پیامبر دیگر نخواهد آمد، گواهی می‌دهیم خداوند زنده می‌کند و می‌میراند.

خداوند افرادی را بالا می‌برد و یا از مقامها پائین می‌کشانند، اوست که بی‌نیاز می‌کند و یا فقیر می‌گرداند و هر چه بخواهد انجام می‌دهد، و مردم را از قبرها بار دیگر بیرون می‌آورد، آنها گفتند: به اینها هم ایمان آوردیم، بعد فرمود: یکی از شرطها این است که باید وضوء کامل بگیرید اگر چه برای شما کراهت و یا ناراحتی بیاورد.

باید دست و صورت را تا مرفق بشوئید، و سر و پا را مسح کنید و از جنابت غسل کنید چه در هنگام گرما و یا سرما، و نماز را برپا دارید و زکاة مال حلال را بدهید، و آن را به اهلش برسانید، حج خانه را بجای آورید، و ماه رمضان را روزه داشته باشید و در راه خدا جهاد نمائید، به پدر و مادر نیکی کنید، صله ارحام بجای آورید و با مردم با عدالت رفتار کنید.

هنگام تقسیم با مساوات عمل نمائید، در هنگام برخورد با شبهه‌ها توقف کنید، تا خود را به امام برسانید و حقیقت را از وی سؤال کنید که شبهه‌ای در نزد امام نیست، ولی امر بعد از مرا بشناسید، و در حیات و ممات من به او معرفت حاصل کنید، و امامان بعد از او را یکی بعد از دیگری بشناسید، با دوستان خدا دوست باشید، و با دشمنان او دشمنی کنید، و از شیطان و حزب او و پیروانش برائت داشته باشید، و از احزابی که با رسول خدا جنگ کردند مانند بنی امیه و تیم و عدی و شیعیان و پیروان آنها بی‌زاری بجوئید، کسانی که با دین و سنت من جنگ کردند باید مورد بغض شما باشند.

باید تا روز قیامت از آنها دوری کرد بر همین عقیده باید از دنیا رفت، باید از شراب خوری دست کشید و با مردم دشمنی نکرد، ای خدیجه دریافتی چه گفتم، و شروط خدا را فهمیدی گفت: آری فهمیدم و قبول کردم و به آن ایمان آوردم و راضی شدم تسلیم گردم، علی هم اینها را تصدیق و گواهی نمود، و گفت یا رسول الله من هم به تمام این گفته‌ها ایمان آوردم و تسلیم شدم. بعد از این رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ای علی با آن شرائط بیعت می‌کنی گفت:

آری، بعد از این رسول خدا دست خود را بر دست علی گذاشت و فرمود: با همان شرائط با من بیعت کنید، و از من دفاع نمائید همان گونه که از خودت دفاع می‌نمائی، در اینجا علی علیه السلام گریه کردند و گفتند: پدر و مادرم فدایت باشند یا رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله.

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: ای علی به خداوند کعبه هدایت شدی و رستگار گردیدی و توفیق یافتی، ای خدیجه خداوند تو را ارشاد فرمود اینک دست خود را بالای دست علی قرار بده و با او بیعت کن، او هم با رسول خدا مانند علی بیعت کرد و همه را گردن گرفت جز امر جهاد که به زنان قرار نگرفته است.

سپس فرمود: ای خدیجه این علی رهبر و مولای تو و همه مؤمنان و امام آنها بعد از من می‌باشند، خدیجه گفت: شما درست می‌گوئی یا رسول الله من به گفته شما با او بیعت کردم، خدا را با شما بر این بیعت گواه می‌گیرم و خداوند خود گواهی دانا هست.

حضرت صادق علیه السلام در حدیث دیگری فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله ابو ذر و سلمان و مقداد را نزد خود دعوت کردند و به آنها گفتند: شما احکام اسلام و شرائط آن را می‌شناسید، آنها گفتند: ما آن را می‌شناسیم که خدا و رسول او به ما گفته‌اند.

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: احکام و شرایع اسلام زیادتیر از آن است که احصاء گردد، شما مرا برای خود گواه بگیرید اگر چه خداوند خود شاهد است و از دیگران کفایت می‌کند، و فرشتگان هم به این گفته‌ها گواه هستند.

شما گواهی دهید که خداوند شریک و نظیر و همتایی ندارد، در حکومت و ربوبیت برای او شریک و مانند نیست، و به رسالت من هم گواهی بدهید که خداوند مرا براستی برانگیخت، و شهادت بر اینکه قرآن رهبر مردم از طرف خداوند می‌باشد، و او به عدالت حکم می‌کند، و قبله من و شما هم مسجد الحرام می‌باشد.

شهادت دهید بر اینکه علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و وصی محمد می‌باشد، و اینکه رهبر و پیشوای مردم هست و حقش از طرف خداوند بر مردم واجب است، اطاعت او اطاعت از خدا و رسول می‌باشد و امامان هم از فرزندان او می‌باشند.

دوستی خاندان او واجب است و هر مؤمن و مؤمنه‌ای باید آنها را دوست بدارد و از آنها اطاعت کند، باید نماز را در وقت خود اداء کنید، و زکاة مال حلال خود را بدهید، و آن را در جایی که خداوند معین کرده خرج کنید.

باید خمس مال خود را از دارائی بیرون کنید و آن را به سرپرست مؤمنان بدهید، و هر کس قدرت و توانائی زیاد ندارد و مال او اندک می‌باشد باید به اندازه وسعش به ضعفاء اهل بیت من بدهد و اگر به آنها هم دسترسی پیدا نکرد به شیعیان آنها بپردازد.

باید متوجه باشند به کسانی خمس بدهند که آل محمد را وسیله زندگی خود قرار نداده باشند و فقط برای رضای خداوند به آنها بدهند و حق مرا اداء نمایند، باید متوجه باشید که در میان مردم با عدالت رفتار کنید و در تقسیم مساوات را رعایت نمائید و حق را بگوئید و عمل نمائید.

حکم کتاب همان است که امیر مؤمنان به آن عمل می‌کند، واجبات را باید طبق کتاب خدا و احکام آن عمل نمائید، به نیازمندان طعام بدهید و گرسنگان را سیر کنید، حج خانه خدا را به جای آورید، و در راه او جهاد کنید، ماه رمضان روزه بگیرید و از جنابت غسل کنید.

وضوء را کامل انجام دهید، دست و صورت را تا مرفق بشوئید، سر و پاها را مسح کنید، بر کفش و یا روسری و یا عمامه مسح نکنید، اهل بیت مرا برای خدا دوست بدارید و شیعیان را برای اهل بیت دوست بدارید، با دشمنان آنها دشمنی کنید و با دوستان دشمنان اهل بیت محبت نکنید.

باید دشمنی با مخالفان برای خدا باشد، به مقدرات ایمان بیاورید چه خوب باشد و یا بد و تلخ باشد یا شیرین، باید حلال قرآن را حلال بدانید و حرام آن را حرام تلقی کنید، احکام دین را فرا گیرید و از متشابهات دوری کنید و آن را به اهلش برگردانید.

هر کس در موضوعی به مشکلی برخورد و راهی برای او باز نشد و از من هم در آن مورد چیزی نرسیده بود باید به علی بن ابی طالب مراجعه کنند، زیرا من همه چیز را به او تعلیم داده‌ام، او ظاهر و باطن همه چیز را می‌داند و محکم و متشابه را درک می‌کند.

علی در تاویل و تفسیر قرآن جنگ می‌کند همان گونه که من در تنزیل قرآن جنگ کردم، شما باید با دوستان محمد و ذریه‌اش دوستی کنید و مخصوصا با امامان از اهل بیت موالات داشته باشید و با دوستان و پیروان آنها هم دوستی نمائید.

با کسانی که نسبت به آل محمد علیهم السلام کینه دارند و با آنها در جنگ و نزاع هستند محبت نداشته باشید و از آنها تبری کنید، و با آنها مانند عداوت با شیطان عمل نمائید و از دوستان و پیروان آنها هم دوری کنید و در این راه پایدار و مستقیم باشید.

بدانید من کسی را به علی مقدم نمی‌دارم هر کس شخصی را بر علی مقدم بدارد او ظالم است، و بعد از من بیعت با او روا نیست و هر کس چنین کند گمراه می‌باشد، همه کسانی که قبل از او سر کار آمدند و از مردم بیعت گرفتند از اول تا آخر همه بر باطل هستند و خداوند آنها را مورد رحمت قرار نخواهد داد.

اینها بودند شرائط اسلام و چیزهای دیگری هم هست، آنها گفتند: ما شنیدیم و قبول کردیم، و از گفتار شما اطاعت می‌کنیم، و جان ما به این سخنان گواهی می‌دهد و ما به نهان و آشکار آنها ایمان آوردیم، و از آنها به عنوان امام خوشنود هستیم و آنها را راهنما و رهبران خود می‌دانیم.

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: من بر این گفته‌ها گواه هستم، بعد از آن فرمود: بهشت حق است و ورود به بهشت برای همه قبل از ورود من حرام است، بعد از آن فرمود:

باید بر وجود دوزخ گواهی دهید و تا دشمنان خاندان من وارد آنجا نشوند کسی وارد آنجا نخواهد شد.

کسی که با اهل بیت من دشمنی کند و با آنها به جنگ پردازد، و یا آنها را ناسزا گوید و یا بغض آنان را بگیرد، مانند کسی است که مرا ناسزا گوید و مرا دشمن بدارد و یا با من جنگ کند، آنها گفتند: یا رسول الله به این ایمان آوردیم و اقرار نمودیم.

بعد از این فرمود: گواهی دهید که علی روز قیامت صاحب حوض من خواهد بود، و افرادی را از آنجا دور می‌کند و راه نمی‌دهد، او با آتش دوزخ مردم را با هم تقسیم می‌کند، علی می‌گوید: این مال من و این هم مال تو دوستان او سالم رها می‌گردند، گفتند به این

هم ایمان آوردیم، فرمود: من هم گواهی می‌دهم.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و اله از مکه هجرت کردند و وارد مدینه شدند، و هنگامی که جنگ بدر فرا رسید و خواستند بطرف بدر بروند مردم را برای بیعت دعوت کردند و همگان بعنوان فرمان برداری از رسول بیعت نمودند.

رسول اکرم در نهان به علی گفتند: چه کسانی وفاء به عهد می‌کنند و چه اشخاصی خیانت خواهند کرد و دستور دادند این سخن مخفی بماند، بعد از آن علی و حمزه و فاطمه را خواستند و به آنها فرمودند: با من به رضایت بیعت کنید.

حمزه گفت: پدر و مادرم فدایت باد ما چرا بیعت کنیم مگر ما قبلاً بیعت نکرده‌ایم، فرمود: ای شیر خدا و رسول، با خدا و رسول باوفا و پایمردی بیعت نمائید، تا ایمان شما کامل شود حمزه گفت: آری سخن شما را می‌شنوم و اطاعت می‌کنم و بیعت می‌نمایم.

حمزه دست خود را بطرف حضرت رسول صلی الله علیه و اله آورد، رسول خدا فرمود:

دست خداوند بالای دست آنها قرار دارد، اینک علی امیر مؤمنان، حمزه سید الشهداء و جعفر طیار در بهشت، فاطمه سیده زنان عالم، و حسن و حسین که دو سبط و سید جوانان اهل بهشت می‌باشند.

خداوند برای همه مسلمانان از جن و انس این شرط را قرار داده و از آنها پیمان گرفته است، اینک هر کس بخواهد نقض عهد کند بر خود ظلم کرده است و هر کس به عهد خود وفا کند و پیمان خود را با خدا محفوظ بدارد خداوند به او اجر بزرگی می‌دهد.

بعد این آیه شریفه را تلاوت کردند: *إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ*، امام علیه السلام فرمود: در شبی که روزش حمزه به شهادت رسید رسول خدا او را نزد خود دعوت کرد و گفت: ای حمزه ای عموی رسول خدا.

شما به این زودی غیبتی طولانی خواهید داشت، اگر وارد بر خداوند متعال شدی و از تو احکام شرع را سؤال کرد و یا از شرائط ایمان مورد پرسش قرار گرفتی چه می‌گوئی او در این هنگام گریه کرد و گفت پدر و مادرم فدایت باشند مرا راهنمایی کنید و ارشاد فرمائید.

فرمود: ای حمزه به وحدانیت خدا و رسالت من گواهی بده، حمزه گفت:

گواهی می‌دهم، فرمودند بهشت و دوزخ هستند، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، صراط و میزان حقیقت دارند، جماعتی هم در دوزخ خواهند بود و علی هم امیر مؤمنان می‌باشند.

حمزه گفت: بر این‌ها هم گواهی می‌دهم و اقرار و ایمان دارم، رسول خدا فرمود: امامان از ذریه او حسن و حسین و سایر امامان از فرزندان حسین می‌باشند، حمزه گفت: این را هم گواهی می‌دهم، رسول خدا فرمود: فاطمه سیده زنان عالم است حمزه گفت: به این هم ایمان دارم.

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: حمزه هم سید الشهداء و شیر خدا و رسول و عموی می‌باشد، در این هنگام حمزه گریه کرد و بر زمین افتاد، و بعد دیدگان حضرت رسول صلی الله علیه و اله را بوسیدن گرفت.

رسول اکرم فرمود: جعفر فرزند برادرت در بهشت با فرشتگان پرواز می‌کند، و محمد و آل او بهترین آدمیان هستند، ای حمزه باید به نهان و آشکار آنها ایمان بیاوری، و به ظاهر و باطن آنها اعتقاد پیدا کنی.

ای حمزه باید به این اعتقاد زندگی کنی و با این عقیده از جهان بروی، باید دوستان آنها را دوست بداری و با دشمنان آنها دشمنی کنی، گفت: آری یا رسول الله خدا و شما را گواه می‌گیرم، و این خود کفایت می‌کند، رسول خدا فرمود: خداوند شما را ثابت قدم بدارد.

امام کاظم از پدرانش، علیهم السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و اله در هنگام مرگ عباس را دعوت کرد و با او خلوت نمود، و فرمود: یا ابا الفضل بدان که خداوند به من امر کرد که نخست خاندان خود و بعد همه مردم را به ولایت علی فراخوانم، اینک

هر کس می‌خواهد کافر شود و هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد.

ای ابو الفضل بار دیگر پیمان خود را برای اسلام تجدید کن، و حکومت را به صاحب خود بده، و مانند آنهایی که با زبان اظهار می‌دارند ولی در باطن قبول ندارند کسانی که مرا در باره خاندانم اذیت می‌کنند و از آن‌ها خود را جلو می‌اندازند و بر آنها حکومت می‌کنند و خود را بر آنها مسلط می‌سازند.

آنها می‌خواهند گروهی را که خداوند عزیز کرده ذلیل کنند، و گروهی را عزت دهند که اهل عزت نمی‌باشند و به آنچه چشم دوخته‌اند و می‌خواهند خود را به آن برسانند شایستگی ندارند.

ای ابو الفضل خدای من از من پیمان گرفته که مطلبی را به انس و جن برسانم، و باید شاهدان آنها را به غائبان برساند که علی را یاری کنند و از وی اطاعت نمایند و سخنان او را بپذیرند، و واجبات خداوند را انجام دهند، هر کس چنین کند به حقیقت ایمان رسیده است.

اما هر کس فرائض را انجام ندهد، خداوند اعمال او را بی‌اثر می‌کند و از کارهایش نتیجه نخواهد گرفت، او هنگامی که به حضور خداوند برسد برهانی نخواهد داشت، ای ابو الفضل در این باره چه می‌گوئی، گفت: یا رسول الله گفته‌هایت را قبول می‌کنم و به آن

چه فرمودی ایمان دارم و تسلیم شدم و شما هم بر این گواهی دهید.

نویسنده: سید خلیل - شاکری